

معنی لغات جدید درس چهاردهم

مشک : ماده ای روغنی که بسیار معطر و خوش بو است. طبله : صندوقچه عطار : عطر فروش

اندوخت : جمع کرد ، گردآوری کرد آموخت : یاد داد ، یاد گرفت غازی : جنگجو

قاضی : داور پرهیز کردن : دوری کردن ، خودداری کردن از انجام کاری

طبل غازی : طبلی که در پیشاپیش لشکر به صدا در می آید ، طبل جنگی

واژگان هم خانواده

(رنج - رنجور - رنجیده) (عطار - عطر - معطر) (ادب - مودب - ادیب - آداب)

(طلب - طالب - مطلوب) (عالم - علم - علوم - معلوم) (عمل - عملیات)

واژگان متضاد

نادان = دانا عالم = جاهل بی ادب = با ادب بلند آواز = خاموش